

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشتۀ تی یری میسان- par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۰۷ اپریل ۲۰۱۵

طرح واشنگتن برای ده سال آینده در خاورمیانه

آنچه را که شما درباره توافقات ایالات متحده و ایران نمی دانید

از دو سال پیش، ایالات متحده به شکل مخفیانه برای آتش بس منطقه نی با ایران مذاکره می کند. با دستیابی به توافق دو جانبه، اعلام کردند که برای مسأله هسته نی و مجازات های اقتصادی در چهار چوب مذاکرات چند جانبه که از سال ۲۰۰۳ آغاز شده، راه حل پیدا کرده اند. تی یری میسان به عنوان ناظر ویژه رویدادها، ابهامات دیپلماتیک را در اینجا آشکار ساخته و نشان می دهد که چگونه واشنگتن می خواهد شامات و خلیج (فارس) را برای ده سال آینده سازماندهی کند.

شبكة بین المللی ولتر/دمشق (سوریه) / ۶ اپریل ۲۰۱۵



جان کری و محمد جواد ظریف در مرحله پیش توافقات سیاسی دو جانبه سرّی. با پشت سر گذاشتن این مرحله در چهار چوب مذاکرات چند جانبه ۱+۵ به شکلی رسمی اعلام کردند که توافقاتشان به نتیجه رسیده است.

مذاکرات دوجانبه سرّی

از ماه مارچ ۲۰۱۳ ایالات متحده و ایران به شکل سرّی مذاکره می کنند. این تماس ها به شکل مخفیانه در عمان آغاز شد. برای ایرانی هائی که به شکل بی سابقه ای در تاریخ، در تنگنای محاصره اقتصادی و مالی قرار گرفته

بودند، موضوع به هیچ عنوان تسلیم شدن به امپریالیسم نبود، بلکه می خواستند برای چند سال به آتش بس دست یابند، یعنی فرصتی که به آنها اجازه دهد تا نیروهای خودشان را باز یابند. برای ایالات متحده که امیدوار است نیروهایش را از خاورمیانه به خاور دور منتقل کند، می بایستی با تضمین مشخصی همراه باشد، به این معنا که تهران از این فرصت برای گسترش نفوذ خود استفاده نخواهد کرد.

تیم ایالات متحده توسط دو مذاکره کننده بی بدیل مدیریت می شد، که عبارتند از جک سولیوان Jake Sullivan و ویلیام بورنز William Burns. از ترکیب هیأت ایرانی بی اطلاع هستیم. جک سولیوان یکی از مشاورهای مهم وزیر امور خارجه هیلری کلینتن بود، ولی نه طرفدار پشتیبانی کورکورانه از اسرائیل بود و نه شیفتگی خاصی به اخوان المسلمین از خود نشان می داد. او جنگ علیه لیبیا و سوریه را سازماندهی کرد. وقتی او با خانم کلینتن را از مقامش برکنار کرد، سولیوان به عنوان مشاور امنیت ملی نزد معاون رئیس جمهور جو بایدن Biden Joe برگزیده شد. جک سولیوان در چنین پستی در مذاکره با ایران شرکت داشت. ویلیام بورنز نیز یک دیپلمات حرفه ای کارکنان است. و این را نیز اضافه کنیم که او یکی از بهترین های ایالات متحده می باشد. او در مقام معاون جان کری وزیر امور خارجه به این مذاکرات پیوست.

از این مذاکرات دست کم دو تصمیم نتیجه گرفته شد، ابتداء رهبر انقلاب آیت الله علی خامنه ای تصمیم گرفت اسفندیار رحیم مشائی که مسؤل پیشین اطلاعات سپاه پاسداران و رئیس کابینه و خویشاوند سببی محمود احمدی نژاد بود را از دور رقابت برای ریاست جمهوری بر کنار سازد. بر این اساس، ایران در صحنه بین المللی لحن گفتار خود را تعدیل بخشید. سپس، ایالات متحده نیز بر آن شد تا در گفتار خود و هم پیمانان ضد ایرانی خود تعدیل ایجاد کند و راه مذاکره های ۱+۵ را پیرامون موضوع هسته ای و پایان دادن به محاصره اقتصادی هموار سازد.

به همین علت، در شگفتی عمومی، شورای نگهبان (که نیمی از آنها اعضای برگزیده توسط آیت الله خامنه ای هستند) نامزدی اسفندیار رحیم مشائی را حذف کردند، در حالی که آمار پیروزی او را در نخستین دور پیشبینی کرده بود. به یمن اختلاف در جبهه انقلابی ها، و مداخله ماهرانه رهبر، شیخ حسن روحانی برگزیده شد. او مرد وضعیت کنونی، مذهبی ناسیونالیست که پیش از این جزء مذاکره کننده های مسأله هسته ای در سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ نیز بود. او تمام خواست های اروپائیان را پذیرفته بود، ولی وقتی محمود احمدی نژاد برای ریاست جمهوری انتخاب شد، روحانی را بر کنار کرد. روحانی تحصیلات خود را در زمینه حقوق اساسی در اسکاتلند گذراند و نخستین فرد تماس گیرنده ایرانی از سوی اسرائیل و ایالات متحده در ماجرای ایران- گیت Irangate بود. طی تلاش انقلاب رنگی در سال ۲۰۰۹ که توسط سازمان سیا به کمک آیت الله رفسنجانی و خاتمی سازماندهی شده بود، حسن روحانی در جبهه طرفداران غرب علیه رئیس جمهور احمدی نژاد موضع گیری کرد. به عنوان مثال، در زمان احمدی نژاد سپاه پاسداران قدرت زیادی به دست آورده بودند در حالی که در دوران روحانی این قدرت را به نفع روحانیت از دست دادند.

ایالات متحده به سهم خود به سعودی ها پیغام داد که با رئیس جمهور جدید ایران با مدارا رفتار کنند و صدایشان را بیاورند پائین. طی چند ماه لبخند بین ریاض و تهران رد و بدل می شد، در حالی که شیخ روحانی شخصاً با همقطار امریکائی خود تماس شخصی می گرفت.

طرح کاخ سفید

نظریه کاخ سفید چنین بود که موفقیت های ایران در فلسطین، لبنان، سوریه، عراق و در بحرین را بازشناسی کند و اجازه دهد که تهران از نفوذ خود در این کشورها بهره مند شود ولی در ازای آن از ادامه گسترش انقلابش چشم پوشی کند. با ترک طرح تقسیم خاور نزدیک با روس ها، واشنگتن بر آن شد تا پیش از آن که نیروهایش را بیرون بکشد، منطقه را بین ایران و عربستان سعودی تقسیم کند.

اعلام چنین اقدامی برای تقسیم منطقه، ناگهان تحلیل رویدادهای منطقه ئی را بر اساس رویارویی سنی ها (سعودی ها) و شیعیان (ایرانی ها) تقویت کرد، ولی پوچ به نظر می رسید زیرا مذهب رؤسا با مناطقی که باید پشتیبانی می کردند، منطبق نبود.

با این وجود، این تقسیم بندی خاورمیانه را به دوران منشور بغداد (۱) بازگرداند، یعنی دوران جنگ سرد، با این تفاوت که این بار ایران در جایگاه شوروی قرار می گرفت و منطقه نیز به شکل دیگری تقسیم شده بود.

بیش از این نمی توانست موجب عصبانیت فدراسیون روسیه شود، تقسیم بندی جدید اسرائیل را به دورانی باز می گرداند که از چتر ایالات متحده برخوردار نبود. در نتیجه از دیدگاه بنیامین نتانیاهو که می خواهد کشورش را «از نیل تا فرات» گسترش دهد قابل قبول نبود. به همین علت هر آنچه در توان داشت به کار بست تا این طرح را تخریب کند، و پیامد این واکنش اسرائیلی بود که توافقات هسته ئی در آغاز سال ۲۰۱۴ در ژنیو، وندی شرمین Wendy Sherman مذاکره کننده ایالات متحده با اتکاء به فراخواست های اسرائیل بهای توافقات را بالا برد. این بار ناگهان واشنگتن موضوع توافقات را تغییر داد و از این پس ناممکن ساختن ساخت بمب اتمی برای ایران را با تضمین چشم پوشی از گسترش راکت های بالیستیک گره زد.

این خواست غافلگیر کننده توسط چین و روسیه مردود اعلام شد و اعلام کردند که چنین موردی از چهارچوب منع گسترش سلاح های اتمی فراتر می رود و در صلاحیت ۱+۵ نیست.

این جهش تازه نشان داد که بمب اتمی هرگز موضوع نگرانی ایالات متحده در پرونده هسته ئی ایران نبوده، با این وجود از این بهانه برای تحمیل محاصره اقتصادی و مالی بسیار سخت علیه این کشور استفاده می کند. از سوی دیگر، رئیس جمهور اوباما طی سخنرانی اش در ۲ اپریل به فتوای رهبر انقلاب در مورد ممنوعیت این نوع جنگ افزارها اشاره کرد. در واقع، ایران از سال ۱۹۸۸ و کمی پس از فتوی آیت الله خمینی علیه سلاح های کشتار جمعی برنامه هسته ئی نظامی خود را متوقف ساخت و از این پس تهران تنها تحقیقات غیر نظامی را پی گیری کرد، گرچه برخی از این تحقیقات می توانست برای به چرخش درآوردن موتور کشتی های جنگی به کار برده شود. موضع گیری امام خمینی با فتوای آیت الله خامنه ای در ۹ اگست ۲۰۰۵ از اعتبار بیشتری برخوردار شد (۲).

به هر صورت واشنگتن بنیامین نتانیاهو را فردی «متعصب و هیستریک» تشخیص داده و از سال ۲۰۱۴ بر آن شد تا با ارتش اسرائیل به توافق برسد. به تدریج طرح تقسیم منطقه بین عربستان سعودی و ایران جا افتاد ولی می بایستی به ساخت و سازی می اندیشیدند که امنیت مهاجران یهودی را تأمین کند. از همین رو ایجاد نوعی ناتوی منطقه ئی مشابه منشور بغداد مطرح گردید که رسماً ریاست آن به عربستان سعودی واگذار می شد تا قابل قبول اعراب باشد ولی در واقع توسط اسرائیل مدیریت شود، همان گونه که منشور قدیمی توسط ایالات متحده مدیریت می شد، گرچه عضو سازمان نبود. رئیس جمهور اوباما این طرح را در دکتترین امنیت ملی خود در ۶ بروری ۲۰۱۵ به شکلی رسمی مطرح کرد (۳).

توافقات هسته ئی و پایان محاصره اقتصادی به آینده موکول شد. واشنگتن شورش ارتش اسرائیل را علیه بنیامین نتانیاهو سازماندهی کرد، و بر این باور بود که نخست وزیر مدت زیادی در رأس قدرت باقی نخواهد ماند. ولی با

وجود ایجاد ستاد فرماندهی برای امنیت اسرائیل و فراخوان تقریباً تمام افسران ارشد قدیمی برای منع رأی به نتانیاوو، هم او بود که توانست رأی دهندگان را متقاعد سازد که تنها فردی است که می تواند از مهاجران یهودی دفاع کند، و دوباره انتخاب شد.

در مورد فلسطین، واشنگتن و تهران توافق کرده بودند که وضعیت اسرائیل را متحول سازند و بر اساس توافقات اسلو دولت فلسطینی تشکیل دهند. بنیامین نتانیاوو که نه تنها مذاکره ۱+۵ بلکه مذاکرات دو جانبه سرّی را نیز جاسوسی می کرد، شدیداً واکنش نشان داد و رسماً اعلام کرد که تا او زنده است دولت فلسطینی را به رسمیت نخواهد شناخت. بر این اساس او اعتراف کرد که تل آویو امضای توافقات اسلو را رعایت نکرده و مذاکره با مقامات فلسطینی از بیست سال پیش نیز تنها برای خرید وقت بوده است.

نیروی مشترک عرب

در تعجیل برای خاتمه بخشیدن، واشنگتن و لندن شورش یمن را برگزیدند. شیعیان حوثی متحدان سربازان وفادار به صالح رئیس جمهور پیشین خواستار استعفای رئیس جمهور هادی شدند که عقیده اش را فوراً تغییر داده بود و به این خواست رسیدند. در حقیقت، رئیس جمهور هادی از مدت ها پیش دیگر قانونیت خود را از دست داده بود. او بر اساس انتصاب خود برای انجام تعهدی در قدرت باقی ماند که هرگز آن را رعایت نکرد. نه ایالات متحده، نه بریتانیا هیچ رابطه دوستانه ای با هیچ یک از این دو شخصیت نداشتند ولی با این وجود متناوباً در مواقع مختلف از آنها پشتیبانی کرده بودند. در نتیجه با عربستان سعودی موافق بودند که این انقلاب را کودتا تلقی کند و یک بار دیگر برای ضمیمه سازی این کشور اقدام کند. عملیات نظامی توسط لندن برای پشتیبانی عدن از پایگاه دولت راهزن سومالی لند راه اندازی شد. هم زمان به بهانه بحران یمن، اتحادیه عرب ناتوی نوین منطقه نی را رسماً اعلام کرد: یعنی نیروی مشترک عرب.

سه روز بعد، توافق ۱+۵ که یک سال پیش تعیین شده بود رسماً اعلام گردید. با این وجود، وزیر امور خارجه امریکا جان کری و همقطار ایرانی او محمد جواد ظریف طی یک روز کامل تمام نکات سیاسی را مرور کردند. تصمیم گرفته شده بود که واشنگتن و تهران از تنش در فلسطین، لبنان، سوریه، عراق و بحرین طی سه ماه آینده بکاهند و در صورتی که هر دو طرف به تعهداتشان عمل کنند، توافق ژنیو تنها در پایان جون و برای ده سال آینده امضاء خواهد شد.

نتایج

(۱) طی سه ماه آینده این احتمال وجود دارد که نتانیاوو بخواهد طرح ایالات متحده را به شکست بکشاند. در نتیجه اگر به شکل مجهول عملیات تروریستی یا قتل سیاسی صورت بگیرد و سپس مسؤولیت آن را به واشنگتن یا تهران نسبت دهند جای شگفتی نخواهد، زیرا هدف حتماً جلوگیری از امضای است برای جون ۲۰۱۵ پیشبینی شده. بر حسب قاعده، واشنگتن مشوق تحولات سیاسی در اسرائیل خواهد بود تا قدرت نخست وزیر را محدود سازد. سخنرانی بسیار سخت رئیس جمهور رووین ریولین را وقتی نتانیاوو را برای تشکیل دولت آینده فراخواند، باید در این راستا درک کنیم.

(۲) در مذاکرات دو جانبه یمن هرگز مورد بررسی قرار نگرفته و اگر توافقات به امضاء رسد، این کشور طی ده سال آینده تنها نقطه بحرانی در منطقه باقی خواهد ماند.

۳) گرچه واشنگتن با تهران به توافق رسیده و اتحاد نظامی را پیرامون عربستان سعودی تشویق می کند، ولی سیاست معکوسی را با جوامع این دولت ها هدایت می کند. از یک سو منطقه را بین دولت ها تقسیم می کند و از سوی دیگر در جوامع با توسل به تروریسم شکاف ایجاد می کند و تا اینجا نیمه دولت تروریستی امارات اسلامی («داعش») را به وجود آورده است.

۴) در اصل، ایالات متحده تشکیل نیروی مشترک عرب را با دولت های خلیج فارس و اردن و حتی بعداً مراکش پیشبینی کرده بود. بین رژیم های مربوطه هماهنگی وجود دارد. با این وجود عمان گرچه عضو شورای همکاری خلیج (فارس) است در حاشیه باقی ماند. در حالی که عربستان سعودی از نفوذ خود استفاده می کند تا مصر و پاکستان (که یک کشور عربی نیز نیست) را نیز به این نیرو پیوند بزند.

در مورد مصر، قاهره هیچ امکان تحرکی ندارد و باید به تمام درخواست ها پاسخ مثبت بگوید بی آن که وارد عمل شود. مصر هیچ امکان زیستی ندارد و تنها با کمک های بین المللی می تواند خوراک مردم را تأمین کند، یعنی به مدد عربستان سعودی و امارات متحده عربی، روسیه و ایالات متحده. مصر در عملیات «طوفان قاطعیت» در یمن همراه شده است، در جبهه مردم جنوب مثل دوران جنگ داخلی (۱۹۷۰-۱۹۶۲)، با این تفاوت که کمونیست های قدیمی به اعضای القاعده تبدیل شده اند و قاهره از این پس متحد رژیم سلطنتی سعودی است. روشن است که مصر باید در جست و جوی راه حلی برای خروج هر چه زودتر از این باتلاق باشد.

۵) فراتر از شامات و خلیج فارس، سیر تحولی منطقه برای روسیه و چین مسأله ساز می شود. برای مسکو، اگر آتش بس ده ساله خیر خوبی خواهد بود، ولی از سوی دیگر امیدهایش را باید به نفع ایران فراموش کند و به بازسازی نیروهایش که از دوران فروپاشی شوروی متوقف شده بود، بسنده کند. از همین رو با سوریه برای گسترش بندر نظامی طرطوس قرارداد بسته است. نیروی دریایی روسیه باید دوباره به شکل دراز مدت در مدیترانه، در سوریه و قبرس مستقر شود.

در مورد چین، آتش بس ایالات متحده و ایران به این معنا خواهد بود که تنفگذاران دریایی امریکا مستقر در خلیج فارس به سوی خاور دور رهسپار خواهند شد. از هم اکنون پنتاگون می خواهد بزرگترین پایگاه نظامی جهان را در برونئی بر پا کند. برای بیجنگ، مدرن سازی نیروهای نظامی اش از این پس به مسابقه سرعت تبدیل خواهد شد. چین باید برای رویارویی با امپراتوری ایالات متحده آماده باشد پیش از آن که امپراتوری قابلیت کافی حمله را به دست آورد.

www.voltairenet.org/auteur29.html?lang=fr

یادداشت ها:

۱) قرارداد سازمان خاورمیانه (CENTO) یا «قرارداد بغداد» یک اتحادیه منطقه ای بود که ابتداء توسط لندن و سپس واشنگتن هدایت می شد، گرچه ایالات متحده عضو آن نبود مگر از آن برای محدود ساختن نفوذ شوروی و در عین حال تنظیم قدرت های طرفدار جبهه غرب استفاده می کرد. این قرارداد سال ۱۹۵۵ به امضاء رسید و در سال ۱۹۷۴ با جنگ ترکیه و قبرس به پایان رسید. ولی رسماً در سال ۱۹۷۹ توسط انقلاب ایران باطل گردید. اعضای آن عبارت بود از: عراق، ایران، پاکستان، ترکیه، بریتانیا

www.voltairenet.org/article187237.html?var_mode=preview

2- www.voltairenet.org/article166133.html

3- www.voltairenet.org/article187237.html

4- www.voltairenet.org/article186680.html

تی پری میسان. اوباما دوباره مسلح می شود. ۹ فیبروری ۲۰۱۵

www.voltairenet.org/article186693.html

مقالات مشابه در گاهنامه هنر و مبارزه

corigif.free.fr/phare/img/phare_017.gif

g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/966

Le plan de Washington pour les 10 prochaines années au Proche-Orient

Ce que vous ignorez sur les accords états-uno-iraniens